

**Journal iranian political sociology**

**Vol. ۵, No. ۹, Azar ۲۰۲۲**

**<https://doi.org/10.30510/psi.2022.346507.3562>**

**Comparison of economic policies of the governments of the Islamic Republic of Iran and the United Arab Emirates  
From ۲۰۰۵ to ۲۰۲۰  
And examining the position of foreign investment in their economic policies**

**Abstract**

The main purpose of this study is to "compare the economic policies of the governments of the Islamic Republic of Iran and the United Arab Emirates and examine the position of foreign investment in their economic policies from ۲۰۰۵ to ۲۰۲۰." In this regard, Walt Rostow's step model (in the context of production-based developmental theories) is used. Rostow, unlike many development thinkers, believes that natural resources, including oil, in the form of capital resources, along with factors such as modern, institutional, and legal government — albeit a soft dictatorship — act as a positive and accelerating factor in increasing per capita income. Increasing the accumulation of capital and wealth plays a constructive role during the historical processes of development, especially the transition from the traditional stage to the pre-economic stage and also the transition from the stage of economic leap to the stage of economic maturity (pre-mass stage). The hypothesis that "oil revenues - as a fundamental factor along with supporting factors such as rule of law and foreign capital" has led the UAE to pursue a particularly expansionary economic policy since ۲۰۰۵ in areas such as Economic growth, increase of national income, decrease of unemployment, etc. should take place at a great distance from the Islamic Republic of Iran. The results show that factors such as the ideological nature and differences in the views of the rulers of the Islamic Republic of Iran on concepts such as national interests, international system, globalization, etc. have caused this country to use oil in comparison with the United Arab Emirates. The transition to economic development will not be very successful.

**Keywords:** Economic Policies, Islamic Republic of Iran, United Arab Emirates, Foreign Investment.

مقایسه سیاست‌های اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی  
و بررسی جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در سیاست‌های اقتصادی آنها  
از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰

سینا اسکندرزاده<sup>۱</sup>اصغر پرتویی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>عباس مرادی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، «مقایسه سیاست‌های اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی و بررسی جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در سیاست‌های اقتصادی آنها از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰» می‌باشد. در این راستا، مدل مرحله‌ای والت روستو (در چارچوب نظریات توسعه گرایانه مبتنی بر تولید) مورد استفاده قرار می‌گیرد. روستو، برخلاف بسیاری از اندیشمندان حوزه توسعه معتقد است منابع طبیعی از جمله نفت در قالب منابع سرمایه‌ای در کنار عواملی مانند دولت مدرن، نهادی و قانون‌گرا-هر چند دیکتاتوری نرم- به عنوان عاملی مثبت و شتاب دهنده در جهت افزایش درآمد سرانه، افزایش انباشت سرمایه و ثروت، در طی فرآیندهای تاریخی توسعه به ویژه گذار از مرحله سنتی به مرحله پیش از خیز اقتصادی و نیز گذار از مرحله جهش اقتصادی به مرحله بلوغ اقتصادی (مرحله ماقبل مصرف انبوه)، نقشی سازنده ایفا می‌نماید. با این فرضیه که «درآمدهای نفتی- به مثابه عامل پایه‌ای به همراه عوامل حمایت کننده مانند زمامداری مبتنی بر قانون و سرمایه خارجی»، باعث گردیده تا امارات متحده عربی از سال ۲۰۰۵ به بعد سیاست اقتصادی توسعه گرایانه خاصه در زمینه‌هایی مانند رشد اقتصادی، افزایش درآمد ملی، کاهش بیکاری و ... با فاصله زیادی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در پیش بگیرد. نتایج نشان می‌دهد که عواملی مانند ماهیت ایدئولوژیک و تفاوت نگاه حاکمان جمهوری اسلامی ایران به مفاهیمی چون منافع ملی، نظام بین‌الملل، جهانی شدن و ... باعث گردیده تا این کشور در مقایسه با امارات متحده عربی، در استفاده از نفت در گذار به توسعه اقتصادی، با موفقیت چندانی رو به رو نگردد.

واژگان کلیدی: سیاست‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران، امارات متحده عربی، سرمایه‌گذاری خارجی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای علوم سیاسی/سیاست‌گذاری عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

@gmail.com 1990.sina.eskandarzadeh

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

asgpar@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

azmoradi@gmail.com

## ۱-مقدمه

امروزه توسعه اقتصادی فقط به رشد اقتصادی محدود نبوده و در مقیاس گسترده‌تری مسائل مربوط به شاخص‌هایی چون نرخ فقر، نابرابری، تورم، شهرنشینی، مهاجرت، بیکاری، توزیع درآمد، صنعتی شدن و شاخص‌های اجتماعی از جمله شاخص رفاه را نیز در بر می‌گیرد. صرف داشتن منابع داخلی سرمایه از جمله نفت، گاز و سایر منابع طی فرآیند گذار به توسعه را میسر نخواهد ساخت و این منابع به عنوان عاملی پایه‌ای در صورت حضور در کنار عواملی چون دولتی مبتنی قانون و نهادگرا (حداقل دولت دیکتاتوری نرم) و سرمایه‌های خارجی در نیل به توسعه اقتصادی موثر واقع خواهد شد.

طی سده گذشته همواره بحث‌های پیرامون توسعه اقتصادی از جمله مباحث پر طرفدار و مطرح در محافل گوناگون علمی، سیاسی و اجتماعی بوده است و به یکی از محل‌های عمده اختلاف نظر و مجادله بین گروه‌های مختلف فکری و اندیشه‌ای بدل گشته به گونه‌ای که هریک از این گرایش‌ها و مکاتب اندیشه‌ای در چارچوب ذهنی خود به تبیین مفاهیم و مولفه‌های آن پرداخته‌اند. اندیشمندان سوسیالیست با تفسیر توزیعی تاکید بر جامعه‌گرایی، اصالت جمع، مالکیت دولتی و برابری، توسعه و رشد اقتصادی را در توزیع ثروت جهت فقر زدایی، کاهش محرومیت، کاهش بیکاری و بهبود سطح رفاه و معیشتی و برابر سازی اقتصادی می‌دانند. چنین تفسیری از سوی طرفداران نظریات وابستگی و به طور عام توسط چپ‌های محافظه کار و حتی از سوی ناسیونالیست‌های چپ را نیز مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت. در این چارچوب توسعه اقتصادی فرآیندی است که در آن تهی‌دستان از وضع موجود رهایی یافته و عدالت اجرا می‌گردد و مجری آن نیز دولتی انقلابی و سوسیالیست می‌باشد. در مقابل اندیشمندان لیبرالیسم کلاسیک و نئو کلاسیک با تفسیر تولیدی با تاکید بر اصولی چون مالکیت فردی و اصالت فردی، توسعه اقتصادی را در افزایش درآمد سرانه، رشد ثروت انباشته و... می‌دانند. آن‌ها اعتقاد دارند در افزایش پارامترهایی چون درآمد ناخالص داخلی، درآمد سرانه در کنار محیط رقابتی بهبود وضعیت معیشتی و ارتقا سطح رفاه جامعه را در پی خواهد داشت. افزایش درآمد منجر به افزایش سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی و نهایتاً با افزایش سطح اشتغال همراه خواهد بود. در چارچوب این نگرش جامعه فقیر و سنتی جهت نیل به توسعه در گذر فرآیندی تاریخی با سرمایه گذاری ضمن تامین نیازهای اساسی جوامع خود مشخصه‌های چون میزان درآمد، رفاه و استانداردهای زندگی را ارتقا بخشد. براساس این تفکر با افزایش جمعیت طبقه متوسط جدیدی می‌توان خواسته‌هایی چون آزادی‌های سیاسی و مدنی را پیگیری نمود که جامعه فقیر و سنتی فاقد چنین ظرفیتی می‌باشد. در مقابل اندیشمندان سوسیالیست نیز انتقاداتی نسبت به عدم توجه به وضعیت طبقات پایین‌تر جامعه و محوریت سود و منافع صاحبان سرمایه و ابزار تولید را بر گسترش و ایجاد عدالت و برابری اجتماعی در جوامع در نتیجه گسترش و تعمیق نابرابری طبقاتی را مطرح می‌سازند.

## ۲- مبانی نظری

توسعه اقتصادی اصطلاحی به نسبت جدید در حوزه مطالعات علوم اقتصادی است به نوعی که تا دهه ۱۹۵۰ میلادی غالباً در میان اندیشمندان این شاخه از علوم انسانی توسعه اقتصادی را بیشتر به مثابه رشد درآمد سرانه واقعی در کشورهای توسعه نیافته تلقی می‌کردند. لذا بعدتر بود که در متون و مقالات اقتصادی از توسعه اقتصادی به معنی و مفهوم رشد به همراه تحول و تغییر، به ویژه تغییر ارزش‌ها و نهادها یاد می‌شد. می‌توان گفت در قاطبه تحقیقات معاصر با محوریت توسعه این به عنوان یک اصل کلی و پذیرفته شده است که رشد مستمر اقتصادی طولانی مدت توسعه را تسهیل خواهد کرد. توجه به این نکته ضروری است که توسعه اقتصادی چیزی به جز رشد اقتصادی است هرچند که ارائه تعریفی دقیق از توسعه اقتصادی به هیچ عنوان کاری سهل و آسان نیست. (قدیری، ۱۳۷۹: ۴)

در بیان تعریف رشد اقتصادی اینگونه مطرح می‌شود که رشد اقتصادی عبارت است از رشد سالانه و مداوم درآمد سرانه کشور در یک بازه زمانی طولانی مدت. در صورتی که توسعه اقتصادی به معنی دگرگون کردن و ایجاد ساختار کارآمد اقتصادی و گذار از مراحل بدوی (مرحله سنتی، معیشتی، روستایی و منطقه‌ای) به مرحله‌ای پیشرفته‌تر و مدرن‌تر یعنی اقتصادی عقلانی، تجاری، شهری و ملی. که این گذار شامل تغییرات در ساختار اقتصاد از یک ساختار عمدتاً کشاورزی به ساختاری با ماهیت عمدتاً صنعتی است. (اینکوری، ۱۳۶۶: ۲۱)

توسعه اقتصادی فرایندی است که به موجب آن رفاه اقتصادی و کیفیت زندگی یک ملت، منطقه یا جامعه محلی بهبود می‌یابد. این اصطلاح در قرن‌های بیستم و بیست و یکم به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است، اما این مفهوم قرن‌ها در غرب وجود داشته است. «نوسازی»، «غرب زدگی» و به ویژه «صنعتی شدن» اصطلاحات دیگری هستند که اغلب در بحث توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در حالی که توسعه اقتصادی یک تلاش مداخله‌ای با هدف بهبود رفاه مردم است، رشد اقتصادی پدیده بهره‌وری در بازار و افزایش تولید ناخالص داخلی است. در نتیجه، همانطور که آمارتیا سن اشاره می‌کند، «رشد اقتصادی یکی از جنبه‌های روند توسعه اقتصادی است».

تعریف دقیق توسعه اقتصادی از همان ابتدا مورد بحث و گفتگو بوده است: در حالی که اقتصاددانان در قرن بیستم به توسعه عمدتاً از نظر رشد اقتصادی توجه داشتند، جامعه‌شناسان در عوض بر فرآیندهای وسیع‌تر تغییر و نوسازی تأکید می‌کردند. (جافی، دیوید، ۱۹۹۸: ۳)

کارل سیدمن<sup>۲</sup> محقق توسعه و مطالعات شهری توسعه اقتصادی را به عنوان «فرایند ایجاد و استفاده از دارایی ایدئولوژی‌های جسمی، انسانی، مالی و اجتماعی برای تولید رفاه اقتصادی بهبود یافته و به طور گسترده مشترک و کیفیت زندگی برای یک جامعه یا منطقه» توصیف می‌کند. (سیدمن، ۲۰۰۵: ۵)

۱ Economic development

۲ Seidman, Karl F

دافنه گرین‌وود<sup>۱</sup> و ریچارد هالت<sup>۲</sup> توسعه اقتصادی را از رشد اقتصادی متمایز می‌کنند بر این اساس که توسعه اقتصادی یک «افزایش گسترده و پایدار در سطح کلی زندگی افراد در یک جامعه» است و لزوماً با رشد مؤلفه‌های اقتصادی مانند افزایش درآمد سرانه و... محقق نمی‌شود. توسعه اقتصادی رابطه مستقیمی با پیشرفت در کیفیت زندگی بشر دارد. (گرین‌وود و هالت، ۲۰۱۰: ۳-۴)

## ۲-۲- جایگاه کشورها از منظر توسعه اقتصادی

با پایان جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد<sup>۳</sup> با استقلال کشورهای مستعمراتی و ایجاد نظم جدید جهانی در ادبیات روز سیاسی کشورهای جهان با اسامی و عناوین مختلفی چون کشورهای شمال- جنوب- و یا کشورهای جهان اول- جهان دوم، جهان سوم- دسته بندی می‌شدند. با پایان جنگ سرد و برقراری نظم جدید بین‌المللی تقسیم بندی کشورها براساس میزان و سطح توسعه یافتگی آن‌ها جایگزین تقسیم بندی‌های گذشته گردید. پیش از این و در زمان استقرار نظم قدیم کلمه توسعه نیافته هم‌تراز هم ارزش و واژه در حال توسعه مورد استفاده قرار می‌گرفت. تفاوت عمده واژه‌های مرسوم قبلی یعنی جهان سوم و شمال و جنوب که از دهه ۱۹۸۰ برای دسته‌بندی کشورها در ادبیات سیاسی- اقتصادی در دوران جنگ سرد مورد استفاده می‌گرفت در این نکته اساسی که واژه توسعه دارای مفهوم و مضمون توسعه‌گرایانه بوده و انعکاس دهنده سوق یافتن کشورها به سوی توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی می‌باشد و برخلاف واژه‌های جهان سوم و جنوب نه در مقابل واژه توسعه و بلکه به نوعی در کنار آن بوده است. از این حیث کشورها را می‌توان به دو دسته اصلی «۱- کشورهای توسعه یافته» و «۲- کشورهای در حال توسعه» طبقه بندی کرد.

### ۱-۲-۲- کشورهای توسعه یافته

یک کشور توسعه یافته از امتیاز بالاتری در شاخص توسعه صنعتی و انسانی نسبت به سایر کشورها برخوردار بوده و از زیرساخت‌های پیشرفته فناوری برخوردار است. کشورهای توسعه یافته از اقتصاد توسعه یافته‌های نیز برخوردارند که از آن‌ها به عنوان کشور صنعتی یا کشور توسعه یافته نیز یاد می‌شود. توسعه یافتگی از نظر سیاسی نوعی دموکراتیزاسیون است. سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مانند خانه آزادی برای کشورهای توسعه یافته نمره ۱ (وضعیت مناسب آزادی‌های سیاسی و مدنی) را از بازه ۱ تا ۷ در نظر گرفته کرده‌اند. همچنین طبق ارزیابی‌های سازمان جهانی عدالت و مؤسسه بین‌المللی شفافیت نمره این کشورها از حیث حاکمیت قانون و سلامت اداری در رده بالا و دارای امتیاز بالای ۷۰ می‌باشند.

از دیباچه‌ای دیگر توسعه یافتگی نشانگر صنعتی شدن یک کشور می‌باشد. صنعت به عنوان تغذیه کننده و پشتیبان سایر بخش‌های اقتصادی می‌باشد و کشورهای توسعه یافته از نظر صنعتی (تولیدی و خدماتی) از موقعیت قابل ملاحظه‌ای

<sup>۱</sup> Greenwood, Daphne

<sup>۲</sup> Holt, Richard

<sup>۳</sup> Cold war

برخوردار می‌باشند. لازم به ذکر است با وجود بالا بودن سطح تولید صنعتی برخی کشورهای در حال توسعه، از لحاظ کیفی و تکنیکی کشورهای توسعه یافته از رتبه بالاتری برخوردار هستند. یکی از پارامترهای اصلی توسعه یافتگی افزایش سطح رفاه، افزایش درآمد و متوسط سازی جامعه می‌باشد. بنا به گزارش بانک جهانی درآمد سرانه کشورهای توسعه یافته یا در دهه اخیر بیش از ۲۵ هزار دلار برآورد شده است. یکی دیگر از ویژگی جوامع توسعه یافته میزان برابری در توزیع درآمد زیاد و در برخی موارد متوسط بوده به طوری که بیش از ۷۰٪ جمعیت جوامع توسعه یافته در طبقه متوسط اقتصادی جای دارند. این کشور با وجود سطح بالای درآمدها و افزایش سطح رفاه حدود ۱۰-۱۵ درصد در فقر نسبی به سر می‌برند. بیان این نکته از اهمیت برخوردار است که اقتصاد کشورهای توسعه یافته در اثر امتزاج در نظام جهانی نسبت به بحران ایدئولوژی‌های مالی و اقتصادی جهانی آسیب پذیر هستند مانند آنچه در سال ۲۰۰۸ و بحران جهانی اقتصاد رخ داد. (Sawe, 2018 & encyclopedia, 2020)

## ۲-۲-۲- کشورهای در حال توسعه

وضعیت در حال توسعه یافتگی مبین تغییر موقعیت -نه ثبات- می‌باشد چرا که برخی کشورهای در حال توسعه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی دست آوردهایی داشته‌اند به طوری که برخی کشورهای در حال توسعه در کنار افزایش رشد، در صدد عبور از اقتصاد تک محصولی و متنوع سازی منابع اقتصادی خود می‌باشند. از این رو می‌توان گفت موقعیت در حال توسعه یافتگی طیف گسترده‌ای از کشورها را در بر می‌گیرد از این رو جهت شناخت و مقایسه دقیق تر این کشورها تفکیک و گروه بندی کشور بر اساس میزان و سطح توسعه یافتگی در ساختار اقتصادی و سیاسی شان مفید خواهد بود. در پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده، کشورهایی از جمله هند، برزیل، ویتنام و... به مثابه کشورهای در حال ظهور و تازه صنعتی شده مورد ارزیابی قرار گرفته کرده‌اند. در مقابل برخی از کشورهای در حال توسعه مانند برخی کشورهای قاره آفریقا مانند چاد و... از میزان اندکی از توسعه مواجه بوده و با مشکلاتی چون فقر، سوء تغذیه و... سردرگریان هستند در گروه کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی اقتصادی قرار می‌گیرند. همچنین گروه دیگری از کشورها همچون اردن، ترکمنستان و... با وجود داشتن شرایط بهتر نسبت به کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی در زمره کشورهای در حال ظهور قرار نمی‌گیرند لذا می‌توان از آن‌ها با عنوان کشورهای در حال توسعه معمولی یاد کرد.

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با پرهیز از کادر بندی در حال توسعه و یا توسعه یافتگی کشورها سعی در ارزیابی کشورها در قالب کشورهایی با درآمد بالا، متوسط و پایین دارد. در این چارچوب کشورهای با درآمد بیش از ۱۲۲۳۷ دلار جز کشورهای درآمد بالا، درآمد بین ۴۰۳۶-۱۲۲۳۶ دلار کشورهای با درآمد متوسط به بالا و درآمد بین ۴۰۳۵-۱۰۲۷ دلار در دسته کشورهای با درآمد متوسط به پایین و نهایتاً درآمد کمتر از ۱۰۲۶ دلار جز کشورهای با درآمد پایین طبقه بندی می‌گردند. نکته قابل توجه دسته بندی فوق این است که برخی کشورهای در حال توسعه مانند قطر، کویت، عربستان و... دارای درآمدی برابر و یا حتی بیش از کشورهای توسعه یافته می‌باشند. میزان درآمد ناخالص

ملی جمهوری اسلامی ایران (GNI) در سال ۲۰۱۷ معادل ۲۱۰۵۰ دلار (در حال توسعه بالا) و برای امارات متحده عربی ۷۳۸۹۰ دلار (در حال توسعه بالا) می‌باشد. (بانک جهانی)

### ۲-۳- مروری بر سیاست‌های اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی با محوریت توسعه عمدتاً برپایه سیاست‌های توزیعی و یا تولیدی می‌باشد. در دهه‌های اخیر با افول مکاتب سیوسالیستی و مارکسیستی در اتحادیه جماهیر شوروی، کشورهای اروپای شرقی و عدم حصول نتیجه در کشورهای آمریکای لاتین که نهایتاً تضعیف و انزوای اقتصادی آن‌ها را در پی داشت و با غلبه مکاتب لیبرالیستی و نئولیبرالیستی در کشورهای جهان سیاست‌های توزیعی در حاشیه قرار گرفت. فرانک از نظریه پردازان حوزه توسعه اقتصادی که پیشتر در فصل مربوط به چارچوب نظری به بیان نظریات اقتصادی او پرداختیم سیاست‌های اقتصادی توزیعی را در کنار عواملی چون دولت انقلابی برای گذار به توسعه اقتصادی کشورها توصیه می‌نمود. در مقابل والت روستو مدل مرحله‌ای توسعه‌ای خود که به عنوان مدل محوری این پژوهش انتخاب گردیده با توصیه به سیاست اقتصادی تولیدی با مهم شمردن جایگاه منابع داخلی سرمایه از جمله نفت، گاز، معادن و... به عنوان عامل پایه‌ای توسعه در کنار عواملی چون دولت مدرن و مبتنی بر قانون در توسعه اقتصادی معتقد است دولت با بهره‌گیری از درآمدهای حاصل از فروش منابع داخلی سرمایه‌ای خود و سرمایه‌گذاری آن در صنایع پیشرو و زیر ساخت‌ها اقدام به تحول در ساختار اقتصادی نموده و با صنعتی‌سازی اقتصادی کشورهای خود مسیر را برای بلوغ اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی فراهم نماید. دولت‌های ایران در دوره پهلوی به خصوص پس از سال ۱۳۲۵ با افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی در این مسیر گام برداشته و استفاده از منابع مالی هنگفت خود و همچنین در برخی موارد با بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی اقدام به ایجاد و تقویت صنایع در حوزه‌های فولاد، پتروشیمی، ماشین‌سازی و... گردید. دولت‌های پس از انقلاب نیز با توجه به شرایط کشور تا اواخر دهه ۶۰ شمسی سیاست‌های اقتصادی توزیعی را در دستور کار قرار دادند. حضور احمدی‌نژاد (نخستین دولت در بازه زمانی مطالعاتی این پژوهشی) و اجرای سیاست‌هایی همچون توزیع نقدی یازانه‌ها، طرح مسکن مهر، وام‌هایی جهت ایجاد مشاغل خانگی و... به نوعی بازگشت به دهه نخست انقلاب و اعمال سیاست‌های اقتصادی توزیعی می‌باشد. دولت روحانی به عنوان دولتی توسعه‌گرا همانند دولت‌های سازندگی و اصلاحات سیاست‌های اقتصادی تولیدی را برای تحقق اهداف اقتصادی دولت خویش برگزید. در این میان حاکمان امارات رویه‌ای ثابت در پیش گرفتند و ضمن اعمال برخی سیاست‌های توزیعی جهت حفظ رضایت عمومی، امنیت ملی و همچنین بهبود رفاه اجتماعی در سطح کلان سیاست اقتصادی با محوریت تولید و بازار را در پیش گرفت.

### ۲-۳- مروری بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی

بررسی سیاست‌گذاری دولت‌ها در حوزه‌های گوناگون نیازمند شناختی عمیق از عوامل و مولفه‌های تاثیر گذار در اتخاذ آن سیاست‌ها از قبیل عواملی چون شرایط فرهنگی، الگوها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جوامع، آرمان‌ها و چارچوب‌های فکری حاکمان کشور، مناسبات و روابط موجود در جامعه و بین جامعه و هیئت حاکمه و... می‌باشد از این رو بررسی سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌های توسعه‌ای دو دولت جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی

بدون شناخت کافی از ساختار سیاسی و حقوقی هیئت حاکمه، گونه نظام سیاسی حاکم بر دو کشور، رویکرد و مواضع کشورها نسبت به نظام بین‌الملل و ارکان آن و... میسر نمی‌باشد.

### ۳- روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های توصیفی-تطبیقی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده است.

### ۴- مقایسه سیاست‌های اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰

در مجموع توسعه اقتصادی امروزه به یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های مشترک جوامع و حکومت‌ها تبدیل گردیده است و هریک از کشورها با توجه به مزیت نسبی خود نظام اقتصاد جهانی سعی در ارتقا جایگاه اقتصادی و سرعت بخشی به فرآیند توسعه اقتصادی خود می‌باشند. در این بین وجود دولتی توسعه‌گرا و اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای به عنوان مرکز کنترل و هدایت گر توسعه حائز اهمیت می‌باشد.

در مجموع میزان توسعه یافتگی اقتصادی با مشخصه‌هایی چون افزایش سطح اشتغال، کاهش و حذف تورم، از بین رفتن فقر مطلق و افزایش طبقه متوسط جدید، افزایش تولید ناخالص داخلی یا ملی، افزایش درآمد سرانه، افزایش استانداردهای زندگی، صنعتی شدن جوامع، گسترش امکانات ارتباطی، عمرانی و دسترسی شهروندان به زیرساخت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ۴-۱- مروری بر سیاست‌های کلان اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ سه دولت شامل دولت موقت بازرگان، دولت بنی‌صدر و دولت رجایی مسئولیت مدیریت کشور از جمله سیاست‌های اقتصادی را برعهده داشتند و عمر هر یک از دولت‌ها با گذشت کمتر از یکسال از آغاز فعالیت آن‌ها به اتمام رسید. همچنین با توجه به شرایط سیاسی خاص کشور و فضای حاکم بر آن سیاست‌های کلان اقتصادی چندان روشنی در ساختار کشور نگردید و اکثر نگاه‌ها پیرامون مسائل سیاسی کشور متمرکز گردید. در دهه ۶۰ دولت وقت با نخست‌وزیری موسوی با توجه به شرایط حاد جنگی کشور و جهت تامین نیازهای اساسی مردم دولت با اتخاذ سیاست اقتصادی مبتنی بر توزیع با اقداماتی چون تخصیص کوپن و ارائه اقلام یارانه‌ای سعی در مدیریت کشور برآمد. با پایان جنگ و تغییر سیستم ریاست جمهوری دولت هاشمی‌رفسنجانی با نگاهی متفاوت (در چارچوب تفکرات نئولیبرالیستی) به حوزه اقتصاد سیاسی به ویژه جهانی شدن به رویکردی جدید در سیاست اقتصادی کشور ختم گردید. نهایت عواملی مانند دلال محوری بخش خصوصی، مقاومت سیاسی جناح راست، ضعف نهادهای نظارتی و... از طرفی تعرض میان سیاست‌های پوپولیستی و لیبرالیستی در نظام سیاسی نهایتاً دولت در تحقق اهداف اقتصادی چون رشد و توسعه اقتصادی، گسترش روابط سرمایه داری با مشکل موفق نگردید. (دهقان، سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۱) دولت محمد خاتمی که بیشتر تمرکز خود را به مباحث سیاسی معطوف کرده بود در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی رویکرد عملگرایانه مشابه آنچه در دولت رفسنجانی شاهد بودیم اتخاذ نمود.



ولی از سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) با آغاز دولت احمدی‌نژاد سیاست اقتصادی کشور همانطور که پیش تر بیان گردید تحت تاثیر شعارها و اساسا تفکرات پوپولیستی رئیس‌جمهور قرار گرفت. سیاست‌های چون تخصیص نقدی یارانه‌ها، ایجاد مسکن مهر، تاسیس شندوق مهر امام رضا(ع) و اعطای وام‌های متعدد تحت عناوینی چون وام خود اشتغالی، طرح ایجاد بنگاه‌های زود بازده اقتصادی و ... همه حاکی از بازگشت به سیاست‌های اقتصادی توزیعی کشور به سال‌های نخست انقلاب بود چنانچه قبل تر گفته شد درآمدهای نفتی دولت نهم و دهم (۱۳۹۲-۱۳۸۴) برابر با درآمدهای نفتی کشور از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۴ می‌باشد لذا افزایش بی سابقه درآمدهای نفتی پشتوانه مالی مناسبی جهت پیگیری سیاست‌های اقتصادی توزیعی عدالت‌محور در اختیار دولت داد.

دولت روحانی (۲۰۰۵-۱۳۹۲) با ترکیبی از چهره‌های اقتصادی دولت‌های خاتمی و رفسنجانی در چارچوب دولتی توسعه‌خواه و عملگرا سیاست‌های دولت‌های سازندگی و اصلاحات را چه در سیاست‌های اقتصادی و در راستای آن در حوزه سیاست خارجی در پیش گرفت. توافقنامه برنامه جامع هسته‌ای (برجام) دولت با کشورهای ۵+۱ در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) از جمله اقدامات مهم دولت در تحقق برنامه‌های اقتصادی خود بود. نگارنده معتقد است همانند دولت هاشمی رفسنجانی، دلال محوری بخش خصوصی، مقاومت سیاسی جناح راست، ضعف نهادهای نظارتی و ... نیز تعرض میان سیاست‌های پوپولیستی و لیبرالیستی در نظام سیاسی و فشار گروه‌های سیاسی با نفوذ در نهاد حاکمیت از عوامل اصلی ناکامی سیاست اقتصادی دولت روحانی به شمار می‌رود که این ناکامی با خروج یکجانبه دولت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۹۷ بزرگترین مانع یعنی عدم بهره برداری از منافع این توافقنامه را بر سر راه سیاست‌های اقتصادی دولت قرار داد.

## ۲-۴- مروری بر سیاست‌های کلان اقتصادی دولت‌های امارات متحده عربی

همانگونه که پیشتر در مورد پیشینه امارات متحده عربی بیان گردید امارت‌های هفتگانه این کشور پیش از کشف و استخراج نفت خام اساسا دارای نظام اقتصادی کاملا معیشتی محدود به ماهیگیری و صید مروارید داشتند. پس از تاسیس امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ نخست رهبران این کشور با محوریت خاندان آل نهیان و آل مکتوم نگاه خود را در قالب سیاست‌های ایده آل گرایانه با محوریت جهان عرب با تمرکز بر حفظ نظام سیاسی و تمامیت و استقلال کشور نوپای امارات اعمال می نمودند ولی از سال ۲۰۰۴، با درگذشت شیخ زاید و حضور شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان، امارات متحده عربی به تدریج گرایشات جهانی تری را در دستور کار خود قرار داد. (Rugh, 1996) (Hellyer, 2001) این امر تا حدی نتیجه ظهور نخبگانی با تفکرات جدید در عرصه سیاست گذاری در امارات متحده عربی بوده است. (Heard-Bey, 2009)

بدین ترتیب سیاست‌های اقتصادی امارات متحده عربی دستخوش برخی اصلاحات قرار گرفت و این کشور برقراری اصول اقتصاد و تجارت بین‌الملل در کشور و همچنین الحاق امارات به نظام بین‌المللی و بهره مندی از منافع آن را در اولویت سیاست‌های اقتصادی خود قرار داد. لذا شاهد تغییر اولیت‌های این کشور از حوزه سیاسی به حوزه اقتصادی هستیم. در سال‌های اخیر تحولات اقتصادی مهمی در ساختار این کشور رخ داده است به طوری که با گذشت کمتر از

نیم قرن از تاسیس این کشور شاهد تبدیل امارات به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی در جهان و منطقه هستیم. فضای اقتصادی امارات باعث گردیده امروزه تقریباً تمامی شرکت‌ها و برندهای مهم جهانی در صدد تاسیس شعبه و یا دفتر در امارات متحده عربی با محوریت دویی می‌باشند. هرچند لازم به ذکر است همانطور که در ادامه بررسی خواهد شد دولت با تمام کوشش خود در جهت برقراری اصول و هنجارهای بازار آزاد و تجارت جهانی به دلیل مسائل سیاسی از جمله حفظ امنیت داخلی، تثبیت نظام سیاسی و ... با سیاست‌هایی از قبیل ایجاد شغل برای شهروندان و سایر سیاست‌های توزیعی جهت جلوگیری از نارضایتی عمومی در مواردی از اصول و قوانین بازار آزاد و نظام اقتصاد بین‌المللی تعدی نموده است.

به طور کلی نگارنده معتقد است سیاست اقتصادی کشور امارات متحده عربی را با لحاظ نمودن مواردی چون نحوه مواجهه دولت با مواردی چون صنعتی شدن اقتصاد، آزاد سازی اقتصادی و ... می‌توان در زمره سیاست‌های اقتصادی با محوریت تجارت و بازار از طریق تنظیم تعرفه‌ها و موافقت‌های تجاری بین‌المللی قرار داد.

#### ۵-۴- جمع بندی مقایسه سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی

در بخش حاضر در راستای سنجش میزان تاثیر گذاری برنامه‌های اقتصادی و نتایج سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌های حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده از سال ۲۰۰۵ تاکنون اقدام به بررسی شاخص‌های مطرح در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشورها نمودیم.

در ابتدا میزان صنعتی شدن به عنوان یکی از مولفه‌های محوری امر توسعه اقتصادی برای ارزیابی جایگاه اقتصادی دو کشور مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا از شاخص رقابت پذیری (CIP) به عنوان شاخصی جامع که در برگیرنده مولفه‌هایی از قبیل ظرفیت تولید و صادرات، ارتقا فن‌آوری، تاثیر جهانی کشورها، شدت صنعتی شدن و ... می‌باشد برای سنجش صنعتی شدن کشورها استفاده گردیده است که گزارش UNIDO برای سال ۲۰۱۷ بر اساس شاخص رقابت پذیری صنعتی جمهوری اسلامی ایران جز اقتصادهای نوظهور صنعتی و با درآمد متوسط به بالا در رده ۵۳ ام جهان و کشور امارات متحده عربی برای سال ۲۰۱۷ به عنوان کشوری با اقتصاد صنعتی و جزء کشورهای با درآمد متوسط به بالا در بین ۱۵۰ کشور جهان در جایگاه ۴۲ ام قرار گرفته است. از این رو رغم وجود توسعه در برخی حوزه‌های صنعتی از جمله فولاد، صنایع دفاعی، پتروشیمی، هوا و فضا و ... در جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ صنعتی شدن اقتصاد امارات متحده عربی در جایگاه بالاتر قرار دارد.

در شاخص درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی در فرآیند گذار به توسعه در در مدل توسعه اقتصادی روستو، جمهوری اسلامی ایران از نظر میزان تولید ناخالص داخلی نسبت به امارات متحده عربی از جایگاه بالاتری برخوردار می‌باشد ولی در میزان درآمد سرانه داخلی امارات به واسطه جمعیت اندک خود از وضع به مراتب بهتری نسبت به ایران برخوردار است.

همچنین در شاخص بیکاری به عنوان یکی از مولفه‌های شاخص فلاکت در یک، کشور امارات متحده عربی پایین‌ترین نرخ بیکاری را در میان کشورهای منطقه دارا بوده به طوری که دبی با  $0.05\%$  دارای پایین‌ترین سطح بیکاری در دنیا می‌باشد. نرخ بیکاری به طور متوسط در سال‌های اخیر در امارات متحده عربی بین ۲ الی ۳ درصد بوده است. نرخ بیکاری در جمهوری اسلامی به واسطه رکود اقتصادی سال‌های اخیر، اغزایش جمعیت و سایر سیاست‌های اقتصادی دولت‌های حاکم در دهه‌های اخیر در حدود  $12\%$  درصد در نوسان بوده است که نسبت به نرخ بیکاری در کشور امارات متحده عربی میزان قابل توجهی است.

بر اساس شاخص حاکمیت قانون که عواملی چون عدالت اجتماعی، عدالت قضایی، حقوق اساسی، عدم وجود فساد و... را در کشورها مورد ارزیابی قرار میدهد برای سال ۲۰۱۹ جمهوری اسلامی ایران در بین ۱۲۶ کشور مورد ارزیابی در جایگاه ۱۰۲ ام جهان و امارات متحده عربی در رتبه ۳۲ ام دنیا و جایگاه نخست در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا قرار گرفته اند.

در شاخص رفاه به عنوان یکی از مولفه‌های سطح زندگی در کشورها که شامل زیر شاخه‌هایی چون ایمنی و امنیت، آزادی‌های فردی، وضعیت حکومت، سرمایه اجتماعی، محیط سرمایه، شرایط سرمایه گذاری، دسترسی به بازارها و زیرساخت‌ها، کیفیت اقتصادی، شرایط زندگی، بهداشت، آموزش، محیط زیست می‌باشد امارات متحده عربی به مراتب از جایگاه بالاتری در کسب امتیازات لازم در شاخص رفاه نسبت به ایران برخوردار بوده است به طوری که برای سال ۲۰۱۹ جمهوری اسلامی ایران با امتیاز  $48/3$  از  $100$  در رتبه ۱۱۹ و امارات متحده عربی با امتیاز  $67/41$  در رتبه ۴۰ قرار گرفته اند.

در ضریب جینی به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی نابرابری در توزیع درآمدها به رغم وجود آمار محدود از امارات متحده عربی این کشور از جایگاه بهتری نسبت به جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. همچنین بر اساس شاخص ادراک فساد دولت امارات متحده عربی به واسطه امتیازات مطلوب تر برخلاف دولت‌های جمهوری اسلامی ایران جز کشورهای برتر در این لیست می باشد.

هر چند برخی از شاخص‌های بررسی شده در این بخش از جمله درآمد سرانه و سطح تولید ناخالص داخلی به مولفه‌هایی کاملاً دقیق برای بیان وضعیت اقتصادی کشورها نبوده و یا ضریب جینی به تنهایی قادر به بیان میزان نابرابری در توزیع ثروت در جامعه نمی‌باشد و برای پاسخ دقیق‌تر در کنار شاخص‌هایی چون شاخص اتینکسون<sup>۱</sup> مورد استفاده می‌گیرد با این وجود به این شاخص‌ها در کنار بسیاری دیگر از شاخص‌های مطرح در علم اقتصاد به عنوان معیاری جهت سنجش موقعیت و جایگاه اقتصادی کشورها چه از نظر سیاست گذاران و نهاد حاکمیت در یک کشور و چه از نظر ناظران اقتصادی و نخبگان فکری در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

<sup>۱</sup> Atkinson index

در مجموع بر اساس شاخص‌های مطرح شده در این بخش دولت در امارات متحده عربی در چارچوب نظریه والت روستو به عنوان متولی امر توسعه اقتصادی به واسطه سیاست‌های توسعه‌ای و برنامه‌های میان مدت و بلند مدت اقتصادی دهه‌های اخیر نسبت به جمهوری اسلامی ایران در بستر سازی‌های جهت طی مراحل توسعه اقتصادی موقعیت برتری برخوردار می‌باشد...

۶-۴- مقایسه جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در سیاست‌های اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی

میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) یکی از مؤلفه‌های تأثیر گذار بر فرآیند توسعه اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. در همین راستا وجود سیاست باز بودن فضای اقتصادی به مثابه موتور پیشران اقتصادی باعث جلب سرمایه‌های مستقیم خارجی در کشور می‌باشد، حائز اهمیت است. چرا که در هرچه نظام اقتصادی کشورها در تعامل و ارتباط بیشتری با سایر کشورها و عناصر نظام بین‌الملل باشد ضمن افزایش حجم مبادلات اقتصادی کشور را از فن‌آوری و سایر داشته‌های علمی و فنی دیگر کشورهای پیش‌تاز این عرصه بهره‌مند می‌سازد که با افزایش بازدهی، افزایش انگیزه و عامل تحرک جهت سرمایه‌گذاری را فراهم خواهد ساخت. مهمترین منبع تأمین هزینه سرمایه‌گذاری در کشورها منابع ملی هستند که تقریباً در تمامی کشورهای در حال توسعه این منابع از قدرت کفی برای تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری به ویژه در صنایع بالادستی همچون نفت و گاز و... برخوردار نمی‌باشد. در چارچوب نظریه توسعه اقتصادی روستو به عنوان مدل محوری این پژوهش میزان سرمایه و انباشت آن از مهمترین شاخصه در طی مراحل رشد یعنی گذار از مرحله «پیش از خیز اقتصادی» به مرحله «خیز اقتصادی» و گذار به مرحله «بلوغ» به شمار می‌رود. برای طی مراحل توسعه و رشد اقتصادی و صنعتی شدن پس‌انداز حاصل از منابع داخلی در کشورهای توسعه یافته عموماً در سطحی نیست که بتواند منجر به تشکیل سرمایه در این کشورها گردد از همین رو کم بود منابع مالی یکی از عمده موانع تأثیر گذار در بر سر راه سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌گردد. لذا جهت رفع این مانع و جبران کمبود سرمایه و منابع مالی مورد نیاز جذب سرمایه‌های خارجی در فعالیتهای صنعتی و تولیدی از اهمیت قابل توجهی برای رشد اقتصادی این کشورها برخوردار می‌باشد. (ابوالشمس اصغری، ۱۳۸۸: ۷) در این بین سیاست خارجی در برقراری تعاملات مثبت با عناصر حاکم در نظام بین‌الملل و ایجاد نگرشی سازنده منجر به جلب نظر سرمایه‌گذار و ایجاد بستری مطلوب در اذهان سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به کشور مبدا خواهد گردید نقشی مؤثر ایفا می‌نماید. (جمالی ۱۳۸۲: ۶۵)

۱-۶-۴- جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

با استناد به سیاست‌های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با نظام بین‌الملل از سال ۵۷ می‌توان گفت رویکرد کلی این کشور نه در راستای تأمین منافع ملی کشور که بیشتر تحت نفوذ و سیطره ایدئولوژی بوده است. در حالی که از

دیدگاه هانس مورگانثا<sup>۱</sup> «واقع‌گرایی چنین فرض می‌کند که مفهوم کلیدی آن، یعنی منافع در چارچوب قدرت، مقوله ویژه‌ای عینی است که اعتباری عام دارد» (مورگانثا، ۱۳۷۹: ۱۶) جمهوری اسلامی ایران حداقل در مورد سیاست‌های کلان، ارزش محور عمل نموده و منافع ملی را تنها از دیدگاه ذهنی و نظری مورد توجه قرار می‌دهد. همانطور که پیش‌تر عنوان گردید حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با تفکیک روابط بین‌الملل به دو حوزه سیاست خارجی و روابط اقتصادی و تجاری در چارچوب ایدئولوژی دینی و آرمان‌های انقلابی سعی در پیش‌برد و تحقق این آرمان‌ها داشت. لذا نخبگان ابزاری کشور از حیث ایدئولوژی مانعی در برقراری روابط تجاری و اقتصادی در عرصه بین‌الملل نمی‌دیدند. باید در نظر داشت یکی از پایه‌های اصلی برقراری روابط تجاری و اقتصادی مستحکم در نظام بین‌الملل توجه به اصول اساسی همچون مالکیت خارجی و سرمایه‌گذاری در کشور می‌باشد و تقابل قوانین کشور نسبت به حضور خارجی‌ها در اقتصاد کشور سدی محکم به روی برقراری روابط اقتصادی در سطح جهانی پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌نمود. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است...» همانگونه که در متن اصل ۴۴ بیان گردیده است بازرگانی خارجی تماماً بر عهده دولت می‌باشد. از سال ۵۷ گرایش به خصوصی‌سازی در ایران به تقلیل‌گرایی و مداخله‌گرایی در رأس مدیریت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران جای گرفت. (سریع‌القلم، ۱۳۸۴) وجود نوسان بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران که پیش‌تر در فصول قبل بدان اشاره گردید یکی دیگر از چالش‌های مهم در حوزه اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی در این کشور به شمار می‌آید. همواره دستگاه دیپلماسی و همچنین سیاست‌گذاران در نظام جمهوری اسلامی ایران دائماً خود را با آن روبرو بوده‌اند که آیا محور تصمیمات و سیاست‌های اتخاذ شده کشور می‌بایست در چارچوب نگرش آرمان‌گرایانه با تأکید بر صدور انقلاب و ملزومات آن به دنبال ایجاد و تحمیل تغییرات اساسی در ساختار نظام بین‌الملل بوده و حمایت‌های گسترده مادی و معنوی از گروه‌های همسو همچون نهضت‌های آزادی‌بخش را در دستور کار قرار دهند و یا با نگرشی آرمان‌گرایانه با توجه به محدودیت‌های قدرت کشور انقلابی و با شناخت از واکنش نظام بین‌الملل نسبت به انقلاب اسلامی رفتاری محتاطانه و عمل‌گرایانه را مورد توجه قرار دهند و به جای ترویج عقیده با راهبرد تفسیر دعوت به تبیین عقیده، با تبدیل جمهوری اسلامی ایران به یک الگو و نماد یک کشور انقلابی موفق و اتخاذ رویکرد تعاملی نسبت به نظام بین‌الملل برای کسب فن‌آوری و دانش پیشرفته قدرت‌های صنعتی، جمهوریت و اسلامیت نظام این کشور را در فراسوی مرزها به نمایش بگذارند. در نگاه آرمان‌گرایان ایدئواستراتژی نسبت به ژئواستراتژی از اولویت برخوردار بوده و بایستی اصول و ارزش‌های انقلابی مورد نظر حاکمان نظیر عدالت‌جویی، اخلاق‌مداری و انسان‌دوستی را به عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور مورد توجه قرار داد. آرمان‌گرایان با نفی نگرش برتری‌جویانه قدرت‌های بزرگ غربی و تأکید بر

<sup>۱</sup> Hans J. Morgenthau

توان جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم جدید بین‌المللی از طریق حمایت از نهضت‌های آزادی بخش معتقد به برقراری نظامی عادلانه در عرصه بین‌الملل به دور از اعمال سلطه جویانه زور می‌باشند. در مقابل واقع‌گرایان با تمرکز بر مواردی چون حفظ روابط صلح‌آمیز و سالم دیپلماتیک و اقتصادی با سایر عناصر نظام بین‌الملل با محوریت کشورهای منطقه و کشورهای بزرگ جهانی با تاکید بر سیاست درهای باز و نفی گرایش‌های انزواطلبانه به حل مشکلات مهم ملی تمایل دارند تا ورود به معضلات بین‌المللی. در رویکرد واقع‌گرایان نسبت به نظام بین‌الملل، تأمین، تقویت و توسعه امنیت ملی از اهمیت برخوردار است همچنین در چارچوب توجه به واقعیات بین‌المللی در راستای تأمین امنیت ملی و افزایش گستره و نفوذ قدرت سیاسی تأمین منافع ملی کشور در اولویت نخست سیاست‌گذاری واقع‌گرایان در عرصه بین‌المللی قرار داده و تحقق توسعه اقتصادی و حداکثر سازی رفاه اجتماعی و کسب دانش و فن‌آوری‌های نوین و پیشرفته کشورهای پیش‌تاز جهان را از طریق ایجاد رابط متقابل بین‌المللی در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای را در دستور کار قرار می‌دهند. هر چند در دهه‌های اخیر کوشش‌هایی در راستای آمیخته‌سازی دو نگرش آرمان‌گرایی و واقع در صحنه سیاست‌گذاری بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران به واسطه نقش پررنگ تر مؤلفه‌های داخلی همچون جایگاه عوامل فردی و حکومتی به جای مؤلفه‌های بیرونی همچون ساختار و ترکیب نظام بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌های خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز پیروی و تأثیر پذیری سیاست خارجی به مثابه متغییری وابسته از عوامل داخلی مانند ایدئولوژی و دیدگاه و ذهنیت نخبگان ابزاری نظام، روند سینوسی گونه سلطه دو نگرش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در صحنه سیاست خارجی کشور خود نمایی می‌کند و به عبارتی این امر به یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۷۵) (قامت، ۱۳۹۰) همانطور که پیش‌تر عنوان گردید یکی از عوامل مؤثر در تسریع فرآیند توسعه اقتصادی که در مدل والت روستو نیز به کرات مورد توجه قرار گرفته است وجود کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی کشورها می‌باشد. طبیعتاً جذب و حضور سرمایه در هر محیطی نیازمند احراز برخی از شرایط از جمله وجود نظم و روال اقتصادی مناسب و امن می‌باشد. می‌توان عنوان کرد که موارد مذکور در سطور فوق باعث فقدان نظم اقتصادی مناسب برای باز تولید سرمایه و در نتیجه مانعی بزرگ بر سر راه تشکیل و انباشت سرمایه جدید در کشور گردیده است و به نظر نمی‌رسد تا زمان برقراری نظم اقتصادی مناسب سرمایه چه به صورت کمک‌های مالی و چه به صورت سرمایه‌گذاری خارجی جذب کشور گردد. غنی‌نژاد معتقد است «غفلت از اهمیت نظم اقتصادی و نقش تعیین‌کننده نهادها در شکل‌گیری فرآیند توسعه اقتصادی پایدار از خصصت‌های بارز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در جامعه ما تا کنون بوده است» (غنی‌نژاد،

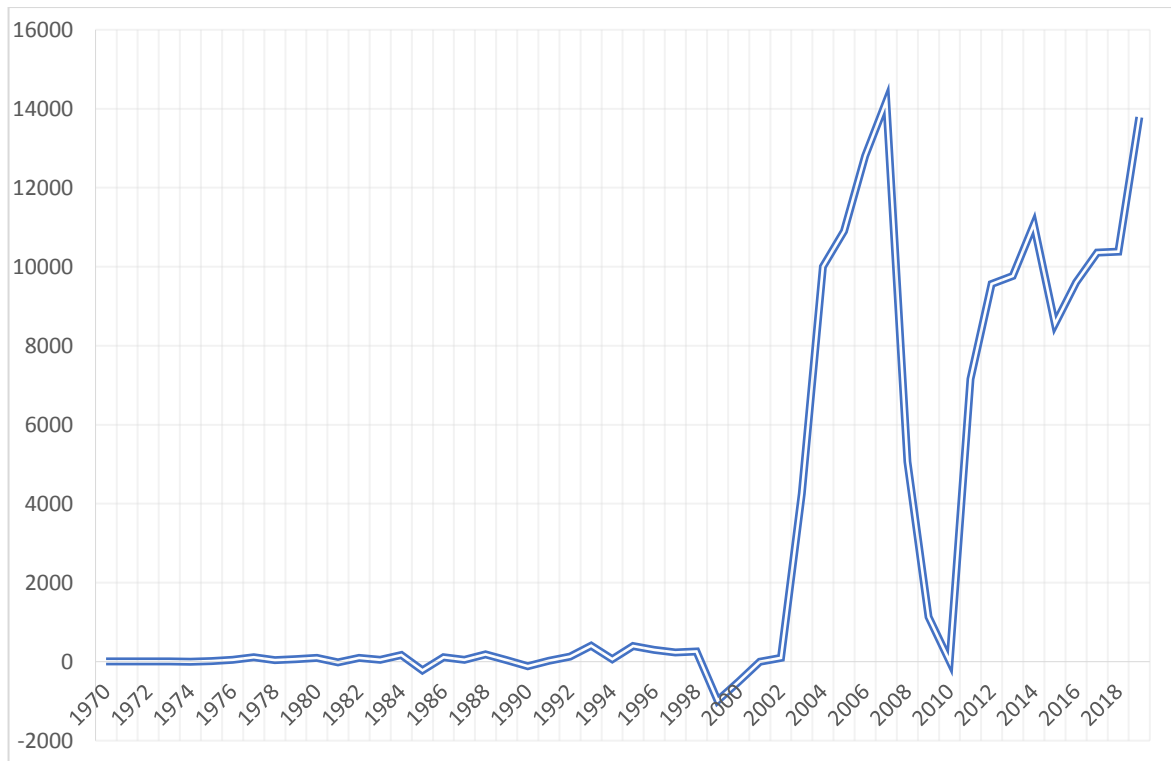
۱۳۷۷: ۱۰۷

در برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای امارات متحده عربی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایجاد اقتصادی پایدار و متنوع از جایگاه والایی برخوردار است. در این زمینه وجود ارتباط دوسویه و همراه با تعامل با اجزای نظام بین‌الملل با محوریت کشورهای قدرتمند و تأثیر گذار جهت فراهم نمودن بستری مناسب برای حضور و جلب سرمایه‌های خارجی در سیستم اقتصادی کشور در اولویت نخست سیاست خارجی دولت‌ها قرار گرفته است. در همین در سالهای اخیر، امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) تعاملات خود را افزایش داده است و در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای طور فزاینده‌ای فعال شده است. هم‌منظور که اشاره گردید در دهه‌های اخیر تحولات اساسی توجه قابل توجهی در سیاست خارجی امارات متحده عربی در حال انجام بوده است. این کشور پس از تمرکز منطقه‌ای، به طور چشمگیری وارد فرآیند جهانی شدن گردیده است. همچنین بخش عمده‌ای از این تغییرات بنیادی در بعد بین‌المللی، استفاده روزافزون از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان ابزاری کارآمد برای دستیابی به اهداف سیاسی در عرصه خارجی و امنیتی بوده است. در سال‌های نخست پس از کشور در زمان ریاست شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، سیاست خارجی امارات متحده عربی در چارچوب سیاست‌های ایده آل گرایانه با محوریت جهان عرب با تمرکز بر حفظ نظام سیاسی و تمامیت و استقلال کشور نوپای امارات بقرار داشت. (Rugh, 1996) (Hellyer, 2001) ولی از سال ۲۰۰۴، با درگذشت شیخ زاید و حضور شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان، امارات متحده عربی به تدریج سیاست خارجی جهانی تری را در دستور کار خود قرار داد. این امر تا حدی نتیجه ظهور نخبگانی با تفکرات جدید در عرصه سیاست خارجی در امارات متحده عربی بوده است. (Heard-Bey, 2009) ( این گروه جوان عمدتاً مکتب رئالیستی از سیاست خارجی گرایش داشته و بر اقتصاد و توازن قوا در عرصه بین‌الملل به عنوان اصول اصلی سیاست جدید تأکید داشتند. (Almezaini, 2012) در این میان یکی از اشخاص اصلی در اتخاذ رویکرد جدید در سیاست خارجی امارات متحده عربی شیخ محمد بن زاید آل نهیان، ولیعهد ابوظبی و برادر کوچک شیخ خلیفه بن زاید رئیس دولت می‌باشد. (Davidson, 2006) نقش وی به عنوان مشاور ویژه رئیس‌جمهور امارات و رئیس بالقوه امارات متحده عربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در حالی که طیف وسیعی از بازیگران و تصمیم‌گیرندگان در شکل‌گیری روند سیاست خارجی امارات تأثیر گذار هستند ولی دفتر رئیس‌جمهور امارات متحده عربی با محوریت وی در مرکز این تصمیم‌گیری قرار دارد. به طور گسترده این اعتقاد وجود دارد که هر چند سیاستگذاری‌های این کشور منعکس‌کننده نظرات و تصمیمات شبکه گسترده تری از جمله شورای عالی فدرال به عنوان یک نهاد رسمی و متشکل از رؤسای امارات هفتگانه می‌باشد ولی در این میان حاکمان دو امارات ابوظبی و دویبی نقشی به مراتب تأثیرگذار تر در اتخاذ سیاست‌های امارات متحده عربی ایفا می‌کنند. (Korany& Dessouki, 2010: 462)

بر اساس گزارش بانک جهانی میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور از ۰/۴- درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ به ۳/۲۷ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. (World Bank, n: d) در همین راستا تعداد زیادی از شرکت‌های چند ملیتی اقدام به سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکت‌هایی در خاک امارات نموده‌اند. رشد سریع FDI نشان دهنده خودباوری در اقتصاد امارات متحده عربی و تلاشی برای افزایش رقابت پذیری اقتصاد آن به شمار می‌رود. هرچند در مقاطعی بحران‌های جهانی جریان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با موانعی همراه ساخته است. در سال‌های

اخیر در راستای حذف موانع قانونی و ساختاری جهت حداکثر سازی جذب سرمایه گذاری خارجی تلاش‌هایی برای تصویب قانون جدید سرمایه گذاری خارجی در امارات انجام گردید که در این چارچوب به سرمایه گذاران خارجی حقوق مشابه حقوق شهروندان امارات متحده عربی جهت حضور در فضای اقتصادی امارات را فراهم می‌نماید. محدودیت‌های مالکیت خارجی به طور سنتی بزرگترین مانع سرمایه گذاری مستقیم خارجی در منطقه خلیج فارس بوده است. در دهه اخیر این تصویر توسط برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، بحرین، کویت و عمان در حال اصلاح بوده است که امکان ایجاد برای حضور هرچه بیشتر سرمایه گذاری خارجی بدون محدودیت در طیف وسیعی از بخش‌های اقتصادی را فراهم آورد. امارات با وجود ارائه یک محیط مالیات صفر و زیرساخت‌های عالی، در رقابت برای آزادسازی اقتصادی در منطقه خلیج فارس تا حدودی عقب بوده است. مالکیت خارجی در امارات متحده عربی در بیشتر زمینه‌های کاری به ۴۹ درصد سهام محدود بوده است و سرمایه گذاران خارجی باید با یک شریک محلی اماراتی یا شورای همکاری خلیج فارس که ۵۱ درصد باقی مانده سود را در اختیار دارند، شریک شوند. مالکیت کامل خارجی شرکت‌ها جهت تشویق حضور سرمایه گذاران فقط در مناطق آزاد اقتصادی قابل تحقق بود. این روند در ۲ ژوئیه ۲۰۱۹ با اعلام تصمیم هیئت دولت فدرال امارات متحده عربی برای صد درصد مالکیت خارجی برای ۱۲۲ فعالیت اقتصادی در ۱۳ بخش صنعت شامل: حمل و نقل و ذخیره سازی. کشاورزی؛ فضا؛ تولید؛ انرژی تجدید پذیر؛ مهمان نوازی و خدمات غذایی؛ اطلاعات و ارتباطات؛ فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی؛ خدمات اداری و پشتیبانی؛ فعالیتهای آموزشی؛ مراقبت‌های بهداشتی؛ هنر و سرگرمی؛ و ساخت و ساز به طرز چشمگیری بهبود یافت. (Smith, 2019) دولت امارات متحده عربی اهمیت استراتژیک جذب سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی را در ایجاد اقتصادی پایدار و متنوع درک کرده و با آگاهی از موانع موجود در برابر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد این کشور درصدد کاهش این موانع ساختاری و حقوقی برآمده است. (Mina, 2013)





نمودار ۴-۷: میزان سرمایه گذاری خارجی (FDI) خالص در امارات متحده عربی از سال ۱۹۷۰-۲۰۱۹ (میلیون دلار آمریکا) (World Bank, n: d)

به نظر می‌رسد نگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران نسبت به محیط بین‌المللی که خود ریشه در ایدئولوژی حاکم بر این نظام سیاسی دارد یکی از موانع قابل تأمل در باز نمودن فضای اقتصادی کشور و سوق به سمت غیر دولتی شدن اقتصاد کشور به شمار می‌رود چرا با آزاد سازی اقتصادی، حاکمیت بخش خصوصی و همچنین سرمایه گذاران خارجی در فضای اقتصادی ایران ممکن است سیاست گذاری بخش غیردولتی در تعارض با منویات حاکمان و ماهیت نظام باشد از این دیباچه تمرکز زدایی در حوزه اقتصاد می‌تواند امنیت نظام سیاسی را با مخاطره روبرو نماید. (سریع القلم، ۱۳۸۴) بدین ترتیب آزاد سازی اقتصادی و تقویت بخش غیردولتی در سیاستگذاری اقتصادی کشور جایگاهی ندارد.

#### نتیجه گیری

سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی به خصوص صنایع بالادستی مستلزم افزایش و انباشت قابل توجه سرمایه برای ایجاد بستری مناسب برای صنعتی شدن اقتصاد کشورها می‌باشد در همین راستا حضور سرمایه گذاری ها خارجی، پس‌انداز و نقش شتاب دهنده انباشت سرمایه جهت گذار به توسعه اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها و صنایع بالادستی که نیاز به سرمایه‌های هنگفتی به مراتب بیش از بضاعت پس‌انداز داخلی کشورها دارد معمولاً از محل سرمایه گذاری‌های خارجی برای تأمین آن استفاده می‌گردد. همانطور که بررسی گردید میزان جذب سرمایه گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران به واسطه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور نسبت به

امارات متحده عربی بسیار ناچیز بوده است در حالی که امارات متحده عربی توانسته است با تغییر نگرش دولتمردان خود که پیشتر نگاهی «ایده‌آل‌گرایانه» با محوریت جهان عرب و تمرکز بر حفظ نظام سیاسی و تمامیت و استقلال کشور نسبت به نظام بین‌الملل داشتند به نگاهی باز و مدرن به امر توسعه و اقتصاد جهانی و نیز رویکردی همراه با تعامل به پدیده جهانی شدن و نظام بین‌الملل با محوریت تأمین منافع ملی جایگزین نمایند و به مرور به یکی از عناصر تأثیرگذار نظم بین‌الملل تبدیل شده و با استفاده از موقعیت خود، به یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌های خارجی تبدیل گردد.

در مجموع دولت امارات متحده عربی در قالب دولتی نهادی و قانون‌گرا در کنار نفت از منابع دیگر سرمایه‌ای همچون سرمایه‌های خارجی نیز برای دستیابی به توسعه بهره‌گرفته است و این در حالی است که در دولت در جمهوری اسلامی ایران در عمل نفت بدون قرارگیری در کنار سایر منابع سرمایه‌ای در مرکز ثقل منابع اقتصادی دولت قرار گرفته است.

منابع

بوالمشمس اصغری، سولماز، ۱۳۸۸، «تأثیر توزیع سنی جمعیت بر پس انداز ملی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا

ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵) «جامعه‌شناسی توسعه، توسعه نیافتگی روستایی ایران» تهران، انتشارات اطلاعات

ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان، چاپ هفتم

اینکوری، جوزف، (۱۳۶۶). تجارت برده و توسعه اقتصادی غرب، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۷

جمالی، احمد. ۱۳۸۲، «کاربرد مدل تصمیم‌گیری فازی در انتخاب شیوه مناسب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت»، محمود صارمی، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی،

حسینی، شمس‌الدین، ۱۳۸۶، بررسی شاخص‌های اندازه‌گیری توزیع درآمد، تهران، معاونت پژوهشی مجمع تشخیص مصلحت نظام

دهقان، حوریه، سمیعی اصفهانی، علیرضا، ۱۳۹۶، «رویکرد دولت‌سازندگی به جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر رابطه دولت-بازار در دهه دوم انقلاب»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳ (۴۹ پیاپی) بهار ۱۳۹۶، صص ۶۷-۴۰

زنتس، توماس. (۱۳۵۸) تفسیرهایی بر توسعه نیافتگی اقتصادی (مترجم: کیومرث پزینی). تهران: انتشارات توس

سریع‌القلم، محمود، ۱۳۸۴، جهانی شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی راهبرد، ۱۳۸۴، شماره ۳۶، صص ۲۳۳-

سیدشکری، خشایار، کارخانه، اکرم، ۱۳۹۰، «بررسی اثر تورم بر رشد اقتصادی: مطالعه کشورهای منتخب سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ششم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۳۹-۱۵۰.

شیرازی، رضا، ۱۳۹۴، عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸ - ۱۱۹، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

غنی نژاد، موسی، ۱۳۷۷، جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست. تهران طرح نو

قامت، جعفر، ۱۳۹۰، «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن در جذب سرمایه گذاری خارجی»، دانشنامه، بهار ۱۳۹۰، شماره ۸۰ (علوم سیاسی)، ۱۶۷-۲۰۶

قدیری معصوم، ۱۳۷۹، مجتبی، سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

مورگنتا، هانسجی. (۱۳۷۹)، «سیاست میان ملت‌ها». تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

Almezaini Khalid, 2012, "The UAE and Foreign Policy: Foreign Aid, Identities, and Interests", , DOI: 10.4324/9780203815755

Amadeo Kimberly, 2020, "Unemployment Rate, Effect, and Trends", <https://www.thebalance.com/unemployment-rate-3305744>

Berndt, D. J., J. W. Fisher, R. V. Rajendrababu, and J. Studnick. 2003. Measuring Health Care and Inequities Using the Gini Index. 36th Annual Hawaii International Conference on System Sciences: p. 159.3.

Davidson, 2006, "After Shaikh Zayed: The Politics of Succession in Abu Dhabi and the UAE", Middle East Policy 13.1 (2006), pp. 42-59

Gastwirth Joseph L., 2017, "Is the Gini Index of Inequality Overly Sensitive to Changes in the Middle of the Income Distribution?", Statistics and Public Policy Volume ۴, ۲۰۱۷ □

Issue 1

Global Economy, n:d, "Iran: Government spending, percent of GDP", [/https://www.theglobaleconomy.com/Iran/government\\_size](https://www.theglobaleconomy.com/Iran/government_size)

Global Economy, n:d, "United Arab Emirates: Government spending, percent of GDP", [/https://www.theglobaleconomy.com/United-Arab-Emirates/government\\_size](https://www.theglobaleconomy.com/United-Arab-Emirates/government_size)

Greenwood, Daphne T.; Holt, Richard P. F. (2010). Local Economic Development in the ۲۱۰۰ □□□□□□□□. □□□□□□ □□□ □□□□□□: □. □. □□□□□□. □□. ۳۰۴.

Heard-Bey, 2009, "The United Arab Emirates: Statehood and Nation-Building in a Traditional Society", Middle East Journal 59.۳ (۲۰۰۹), □□. ۳۵۷□۷۵.

- Jaffee, David (1998). Levels of Socio-economic Development Theory. Westport and London: Praeger. P. 3
- Kaldor, N. (1967) Strategic Factors in Economic Development. Cornell University Press, Ithaca, NY.
- Komninos Nicos, 2005, "The CIP Index", <https://www.urenio.org/2005/08/26/the-cip-index/>
- Korany Bahgat, Dessouki Ali E. Hillal, 2010, "Politics of Constructive Engagement: The Foreign Policy of the United Arab Emirates", The Foreign Policies of Arab States: The Challenge of Globalization, ISBN-13: 9789774163609, Published to Cairo Scholarship Online, DOI: 10.5743/cairo/9789774163609.001.0001
- Korany Bahgat, Hillal Dessouki Ali E., 2010, " The Foreign Policies of Arab States: The Challenge of Globalization", Published to Cairo Scholarship Online: September 2011, DOI:10.5743/cairo/9789774163609.001.0001
- Mansell, R & and I, U. 1998. Knowledge Societies: Information Technology for Sustainable Development. New York: Oxford University Press
- Mina, Wasseem, 2013, "Inward FDI in the United Arab Emirates and its policy context", pp.1120-1138, Edition: Second Chapter: Inward FDI in the United Arab Emirates and its Policy Context Publisher: Vale Columbia Center on Sustainable International Investment Editors: Karl P. Sauvart, Padma Mallampally and Geraldine McAllister
- Pacheco-López P., Thirlwall, A.P.(2013) A New Interpretation of Kaldor's First Growth Law for Open Developing Economies. University of Kent, School of Economics Discussion Papers, KDPE 1312.
- Peet, R., & Hartwick, E. (2009). Teories of development: Contentions, arguments, (2nd ed.). New York: Te Guilford Press alternatives
- Plecher, 2020, "Inflation rate of Iran 2021", <https://www.statista.com/statistics/294320/iran-inflation-rate/>
- Plecher, 2020, "United Arab Emirates: Inflation rate from 1984 to 2021", <https://www.statista.com/statistics/297779/uae-inflation-rate/>
- Rist, G. (2008). Te history of development: From Western origins to global faith. London: Books. Zed
- Rostow, W. W. (1960). The stages of economic growth: A non-communist manifesto. Cambridge:Cambridge University Press.
- Rugh, 1996, "The Foreign Policy of the United Arab Emirates", Middle East Journal 50.1